

روزنامه سیاسی ،اقتصادی ، فرهنگی ، اجتماعی ، ورزشی صبح ایران **www.sharghnewsaper.ir**- پست الکترونیکی: **Info@sharghnewsaper.ir** **صاحب امتیاز و مدیر مسئول :** مهدی رحمانیان **نشانی :** تهران ، خیابان آفریقا ، بلوار گلشهر ، پلاک ۴۶ **تحریریه:** ۳۳-۲۲۰۳۸۰۲۴ نمابر: ۲۲۰۳۴۵۱۵ **سازمان آگهی ها :** ۲۲۰۵۷۰۹۰ (۲۰خط)- نظارت بر توزیع: ۶۶۹۵۸۱۰۶۶۹۵۸۱۰ **امور مشترکین-** تلفن: ۲۰۰-۶۶۹۷۱۱۹۹، نمابر: ۶۶۴۰۴۱۶۵ **امور فنی ، آتلیه و لیتوگرافی :** روزنامه شرق- چاپ : افست



راهنما

تلويزيون امروز	
سینمایی «سایه یک شک» (تکرار) چهار	۱۵/۳۰
سرپال اولتیمو	پنج ۱۹/۱۰
سرپال عکاسخانه	دو ۲۱/۵۰
سینمایی «سقوط»	یک ۲۲/۰۰
سینما پشت پرده	سه ۲۲/۲۰
سرپال کمینگاه	پنج ۲۳/۱۰

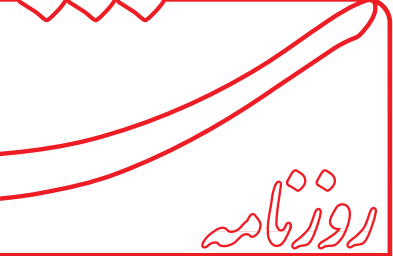
تلويزيون فردا	
چهره‌های ماندگار	دو ۱۵/۱۵
سینمایی رنگ خدا	یک ۱۶/۰۰
شما و سیما	یک ۱۸/۰۰
سینمایی روز ششم	دو ۱۸/۰۰
سرپال پای پیاده	پنج ۱۹/۰۰
سرپال پاندورسا	دو ۲۰/۰۰
سینمایی «جیب بر»	چهار ۲۰/۳۰
سرپال گنجینه معبد	سه ۲۰/۱۵
سرپال خانواده در دام	پنج ۲۳/۰۰

سینمای امروز
آتش بس (تیمپینه میلانی)
آفریقا – ایران – عصر جدید ۲ – پارس ۱ – آسیا گلریز ۱ – بهمن ۲ – جوان ۲ – قیام – پیروزی – المپیا سپیده ۱ – شاهد – ماندانا – پایتخت – فرهنگ ملت – ناهید – ایران ۱
باغ‌های کندلوس (ایرج کریمی)
فرهنگ ۲– فلسطین ۲– سپیده ۲
چند می گیری گریه کنی
استقلال- بلوار – آستانرا – بهمن ۱– مرکزی ۱ دهکده – سروش – تهران ۱ – پیوند – گلریز ۲ کانون – شیرین – پیام

به آهستگی(مازیار میری)
عصر جدید ۱ – صحرا – شهر تماشا – فرهنگ ۱
ازواج به سبک ایرانی
قدس – ایران ۳ – فلسطین ۱ – مرکزی ۲ – جی ۱ میلاد – جوان ۱
شغال
فلسطین ۳ – تهران ۲ – رودکی – مرکزی ۳– شاهد فردوسی – اروپا – سعدی – جی ۲ – فرخ
انتخاب
کارون – جمهوری

تئاتر روز
نمایشگاه نقاشی اردشیر محمصص
گالری هما- ۲۲۰۵۶۲۹
نمایشگاه نقاشی کوروش شیشه گران
نگارخانه خاک- ۲۲۶۰۵۶۶۵
نمایشگاه نقاشی علی رضا
نگارخانه اثر- ۸۸۳۲۶۶۹
نمایشگاه نقاشی گروهی
نگارخانه آتشداد- ۸۸۸۸۴۵۷۲
نمایشگاه ناهید مدنی
نگارخانه بنفشه - ۸۸۰۳۴۴۴۷
نمایشگاه گروهی هنرهای عشایری
نگارخانه پاسارگاد- ۲۲۵۴۰۴۰۷

نمایشگاه نقاشی محبوبه کمی پور
نگارخانه ثروت - ۸۸۷۹۸۷۰۷
نمایشگاه گروهی نقاشی
نگارخانه دریاپیک - ۸۸۰۸۳۳۲۷
نمایشگاه گروهی نقاشی – گرافیک
نگارخانه شاهد - ۶۶۹۶۹۶۲۶
نمایشگاه طراحی- نقاشی
نگارخانه کمال الدین بهزاد - ۸۸۹۶۰۴۵۳
نمایشگاه نقاشی گروهی
نگارخانه نوا- ۲۲۰۴۷۷۸۹
نمایشگاه آثار «سیرک مکینان»
نگارخانه ماه - ۲۲۰۴۵۸۷۹



سال سوم ■ شماره ۷۷۸ ■ پنج‌شنبه ۱۸ خرداد ۱۳۸۵ ■ ۱۱ جمادی الاول ۱۴۲۷ ■ ۸ ژوئن ۲۰۰۶

فرهنگی

کاسه‌ساز مدیرعامل خانه سینما شد

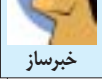


سینما

فارع‌التحصیل دانشگاه هنر است و تاکنون تهیه‌کنندگی و مدیریت تولید بیش از ۳۰ فیلم سینمایی و سرپال تلویزیونی را برعهده داشته است. او در زمان مسئولیت مصطفی میرسلیم در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عهده‌دار مسئولیت‌هایی در معاونت سینمایی این وزارتخانه بوده است. از مسئولیت‌های اجرایی او می‌توان به مدیریت اداره کل نظارت و ارزشیابی و مدیریت انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس اشاره کرد.

او همچنین مدیرعامل خانه سینما و دبیر هیئت مدیره آن است.

جایزه انگلیسی اورنج به زادی اسمیت رسید



خبرساز

شده- اسمیت با خودش تصمیم می‌گیرد تا حرف جدیدی برای گفتن نداشته باشد، تجربه لازم را برای این کار کسب نکند و دیگر رمانی ننویسد. بنابراین از محیط ادبی فاصله می‌گیرد و می‌رود سراغ محیط‌های دانشگاهی. اسمیت به هاروارد می‌رود و تمرکز می‌کند تا دانش ادبی خود را هرچه بیشتر عمیق و وسیع کند. و خب، نتیجه‌اش

نوشتن رمانی می‌شود با عنوان «در باب زیبایی» که همین جایزه اورنج را به‌خودش اختصاص می‌دهد. جایزه در حکم فارغ‌التحصیلی اسمیت هم هست. می‌گویند رمان همان گرمای اولین کار اسمیت یعنی «سپید دندان» را دارد. البته رمان منتقدانی هم دارد، می‌گویند پیرنگ «در باب زیبایی» یادآور رمان مشهور هوارد زلاند اِی‌ام فورستر است و از آنجا که اسمیت از طرفداران پروپاقرص این نویسنده است، شاید ادعای این منتقدان چندانی بی‌ربط نباشد.
ظاهر اسمیت مدتی در مورد این نویسنده مطالعه کرده و در مورد آثار او یک مقاله تحقیقی مفصل نوشته است. سه نفر- هیلاری متل، سارا واترز و زادی اسمیت- در فهرست نگارشی هیات داوران این جایزه که به زنان نویسنده تعلقی می‌گیرد حضور داشتند. که بعد از سه ساعت بحث و گفت‌وگو در نهایت زادی اسمیت جایزه سی هزار پوندی اورنج را به خود اختصاص داد.

سونتاگ عشق عکس



تجسمی

آثار مکتوب و مستند این جریان فرهنگی هیچ‌گاه به صورت بنیانی و مدون مورد ارزیابی و ارزشگذاری قرار نگرفته‌اند. می‌دانیم امروز این آثار به صورت پراکنده در میان جزوات و مجله‌ها و جراید پراکنده‌اند و جمع‌آوری آنها همتی می‌خواهد و فراتر از آن عشق و نیز تبعیج زبیرا بسیاری از وارثان این جریان فرهنگی از میان ما می‌روند بی‌آنکه خطرات مکتوب و غیرمکتوبشان را به ما منتقل کنند. موزه متروپولیتن در پی برگزاری نمایشگاه‌های پژهشی خود این بار به سراغ بررسی ارتباط سوزان سونتاگ (رمان‌نویس منتقد) با جهان عکاسی رفته است. سونتاگ درباره عکاسی مقالات متعددی دارد که به صورت پراکنده در جراید منتشر شده‌اند و اولین بار به شکل کتابی درباره عکاسی (۱۹۷۷) گرد آمده است. آخرین کتاب او «بررسی درد دیگران» در سال ۲۰۰۲ ه به عکاسی جنگ و فاجعه می‌پردازد. در این نمایشگاه نوشته‌ها و نقدهای سونتاگ برعکس‌های کارون، استیچن آجتج، ایوانز، وستون، فرانک و وارهول به همراه عکس‌های این هنرمندان نمایش داده می‌شود. شاید عشق و علاقه و شعوری که سونتاگ به عکاسی دارد در این جمله متبلور است که: «تمام مشکلات سیاسی، اخلاقی و زیبایی‌شناسی مدرنیته و ذائقه مدرنیسم در تاریخ کوتاه عکاسی نقش بازی کرده است.»

وندرلین هلندی و آتِیلا پسایانی با «دینگو مارو»



تئاتر

جشنواره بیست و چهارم فجر با نیل وندرلین هلندی آشنا شدیم و جلساتی با او داشتیم که در نتیجه قرار شد او به‌عنوان تهیه‌کننده خارجی کار و آتِیلا پسایانی به عنوان تهیه‌کننده داخلی با ما همکاری داشته باشند. این دو نفر با یکدیگر در ارتباط هستند تا من کار را آماده کنم. او همچنین می‌گوید: «اجرای هم مجموعه سه‌گانه آتینی با عنوان «اوکالیپتوس» در برنامه گروه ما وجود دارد که دینگو مارو قسمت اول این سه‌گانه است. قصد دارم برای پاییز سال جاری این بخش را روی صحنه بپریم زیرا همواره این آئین را گوشه‌ای از فرهنگ کشورم می‌دانسته‌ام و علاقه‌مندم این آئین با امکانات و کشفیات خودمان در دنیا معرفی شود. از این رو به‌طور قطع بعد از ایران آن را به خارج از کشور خواهیم برد.»



سال سوم ■ شماره ۷۷۸ ■ پنج‌شنبه ۱۸ خرداد ۱۳۸۵ ■ ۱۱ جمادی الاول ۱۴۲۷ ■ ۸ ژوئن ۲۰۰۶

آبادان	۳۲+۴۵	بیرجند	۲۸+۱۶	سندج	۳۲+۱۳	همدان	۳۲+۱۲
اراک	۳۳+۱۴	تهران	۳۳+۱۹	شهرکرد	۳۰+۱۴	یاسوج	۳۰+۱۸
اردبیل	۲۶+۱۵	تبریز	۳۲+۱۲	شیراز	۳۲+۲۰	یزد	۳۱+۱۹
ارومیه	۳۱+۱۳	خرم‌آباد	۳۵+۱۸	قزوین	۳۰+۱۵	دبی	۴۴+۳۷
اصفهان	۳۰+۱۵	رشت	۲۸+۲۱	کرمان	۲۷+۱۵	نجف	۴۳+۳۶
اهواز	۴۷+۲۹	زاهدان	۳۰+۱۷	کرمانشاه	۳۴+۱۳	مکه	۴۰+۳۰
ایلام	۳۶+۲۳	زنجان	۳۲+۱۴	کاشان	۳۴+۱۹	مدینه	۳۹+۳۱
بجنورد	۲۸+۱۷	زابل	۳۶+۲۳	کیش	۳۶+۲۰	لندن	۲۸+۱۵
بندرعباس	۴۱+۲۸	ساری	۳۵+۱۹	گرگان	۳۷+۱۹	پاریس	۲۲+۱۰
بوشهر	۳۳+۳۱	سمنان	۳۲+۱۸	مشهد	۲۹+۱۶	استانبول	۲۷+۱۸

تهران : آذان ظهر ۰۳: ۱۲: آذان مغرب ۳۹:۱۹ آذان صبح فردا ۰۳:۳۰

از کنار این «لغو»

سیدعلی میرفتاح



کرگدن نامه

فرمود «هر غمی هست در خانه ما می‌گوید/ ناکسی بین به سراغ چه کسی می‌آید/ گر به درویش زند، رهنز دنیا چه عجب/ ملخ سفله به ران مگسی می‌آید» و این شده است حکایت من بی‌نوا که از هر طرف که می‌روم جز وحشت نصیبی ندارم و تازه بیابان نامم و راهی بی‌نهایت پیش‌روست. خدا به خیر بگرداند. اگر رفیق همدل مایی بگو انشاءالله.

■ **برادر عزیزم**، مجید جدیدی از ازنّا

قبل از هر چیز سلام ویژه و بلند و بالا برسان به همشهری‌های مهربان و مهمان‌نوازت و همسایگان صمیمی ات الیگودرزی‌ها. من مدت‌ها پیش مهمان نازنین مهربانانی بودم از این دو شهر. طایفه عروس ازتایی بود و طایفه داماد الیگودرزی. و من در تمام مشاهدات و قصه‌ها و تخیلات خودم، تنها و تنها این دو شهر مجاور هم را دیدم که گروه علیا با گروه سفلی سر ناسازگاری و دعوا و چشم‌همچشمی و بستن آب و بستن راه و... ن‌دارند. توی هر شهری پا گذاشتم دالتون‌هایی دیدم که با والتون‌ها خصوصت دیرینه دارند و هیچ عشق و مهری نمی‌تواند دو طایفه را به پرگار صلح برگرداند، الا این دو شهر بهشتی که بین دالتون‌ها و والتون‌ها نه تنها خصومتی نیست، که آن قدر به هم دختر داده‌اند و پسر گرفته‌اند که گوشت و خون یکی شده‌اند و اگر می‌گویند دو شهر صرفاً به جهت تقسیمات شهری و نظام مدیریتی کشور است وگرنه الیگودرز و ازنا یکی بیش نیستند، آن هم مهربان و صمیمی و دل‌شاد. بگذریم. از لطف و محبت به من و پیرمردان، هزاران بار سپاس. یادداشتی که فرستادش نشان از استعداد تو در زمینه طنز و کمدی دارد. به هر زور و ضربی هست زورتم دیپلمات را بگیر و برو بچسب به هنری که با این استعدادات مناسب دارد. فقط پای یک وقت کارت به جوک تعریف کردن و تقلید صدا و پدر پسر شجاع شدن و ژانگور نینجامد. هرازگاهی کتاب خواندن ضرر ندارد. . .

■ **خاورم مهتاز قاسمی** از ستار خان تهران

با فرمایش شما کاملاً موافقم، اما چه می‌شود کرد؟ چاره‌ای نیست، جز اینکه هرکس برای خودش دنیای کوچک و آرام و خلوتی بسازد که در پناه آن بتواند زندگی کند. آدم‌ها در پی تصاحب و تملک و مصرف مسرفانه همدیگر هستند، اما در به روی مردم که نمی‌شود بست و «هر زمان عریده با خلق خدا نتوان کرد.» باید راه تحمل «دیگران» را یاد بگیرد و هر وقت که طاقتمان طاق شد و حوصله‌مان سر رفت به همان دنیایی که عرض کردم پناه ببریم و هیچ‌کس را هم راه ندهیم. با مردم باید مراوده و معاشرت کرد، باید با آنها مهربان بود و از بخشش و کرم چیزی دریغ نکرد، اما آن را که برای تصاحب تنهایی‌ات آمده، آن‌کس که آمده تا دنیای خلوت تو را به هم بریزد، آن‌کس که آمده تا آرامش تو را بگیرد، از او بگریز و او راه مده. به قول شیخ اجل «چه لازم است یکی شادمان و من غمگین؟/ یکی به خواب و من اندر خیال وی بیدار؟/ مرا رفیقی باید که بار برگردد/ نه صاحبی که من از وی کنم تحمل بار/ چو دولت جور کند بر من و جفا گوید/ میان دوست چه فرق است و دشمن خونخوار؟». . . از لطف مرحمتی هم که به قلندران داری ممنون.

■ **برادم سیدجواد حسینی** از ساری

سید عزیز طبرستانی، مبادا به سراغ این رسم و آیین نابجای قلندری بروی. اینها برای روی کاغذ و طنز و طعنه و بازی‌های مکتوب است وگرنه از این قبیل حرکات و سکنات، نه اسمش بیاور و نه رسمش را. من به صرف اینکه خنده‌ای روی لب‌ها بنشانم- که معمولاً چندان هم موفق نیستم- چیزهایی می‌نویسم و به راه و رسمی اشاره می‌کنم که در حد حرف و کاغذ بد نیست، اما اگر از این انتزاع و مجاز بیرون آید، چیز تکیستی است که حرفش را هم نزن. ما هر شاعری دم از می و صراحی و صبحوی و جام و ساقی و قس علیهذا زده است، خودش از صبح تا شب به این هنرها آراسته بوده؟ فرمود: «این قصه اگر عبرت ارباب نظر بود/ من تهمت خود خواستم و عبرت مزبور.» خدای تبارک و تعالی هم در قرآن مجید فرمود: «او آدمی مروا بالغو مروا کراما» و در معنای این کریمانه عبور کردن از «لغو» آورده‌اند که به یک عبارت یعنی آنکه عبرت بگیریم و تدبر و تفکر کنیم. بنابراین عزیز دلم، سخن مرا لغوی ببندار که باید از کنارش کریمانه عبور کنی. ضمناً قلندران هم متقابلاً سلام بلند و بالا می‌رسانند.

زیاده جسامت، ایام بکام، مخلص شما پاسخگو.
Mirfattah@yahoo.com

خبر

رسول یونان در خانه شاعران ایران

روز پنجشنبه ۱۸/۳/۱۳۸۵ رسول یونان در سلسله‌نشست‌های معرفی شاعر که از برنامه‌های جنبی جلسات نقد شعر «حلقه مهر» است، حضور خواهد یافت. در این سلسله‌نشست‌ها، شاعر از طریق خواش شعرهایی که از بین آثار قدیم و همچنین آثار چاپ‌نشده خود انتخاب می‌کند به معرفی خود خواهد پرداخت. رسول یونان اولین مهمان این سلسله‌نشست‌ها است. این برنامه راس ساعت پنج در محل خانه شاعران ایران واقع در خیابان شهیدکلاهدوز، نبش خیابان نعمتی برگزار خواهد شد.



نگاه طراح

ترقی یک شبه

جمال رحمتی



چند توصیه برای همه ما تب‌کرده‌ها

امیر پوریا: این جام‌جهانی که از فردا عصر آغاز می‌شود و تا آخرین ساعات روز هجدهم تیرماه، همه هوش و حواس و وقت و توان و انرژی و هیجان زندگی ما را به خود معطوف خواهد کرد، به واقع تمامی دلایل لازم برای اوج توجه و حساسیت را در خود دارد: حضور همه تیم‌هایی که در گوشه و کنار ایران طرفدارهایی دارند (در جام قبل، هلند و البته ایران حضور نداشتند و شاید بتوان گفت فرانسه و آرژانتین و انگلیس و اسپانیا به اندازه این دوره قل‌ترتند و مدعی نبودند)، برگزاری بازی‌ها در آلمان که قطعاً به لحاظ پوشش تلویزیونی و نوع تصویربرداری و وله‌ها و کپشن‌ها، به اوج جذابیت بصری و تکنولوژیک منجر خواهد شد (امیدواریم خود آنها یا مسئولان پخش ما با جام‌کات‌های وحشتناک و متعدد، آبرویمان را بابت این خوش‌بینی نبرند) و همچنین حضور گزارشگران علاقه‌مند و مسلط این سال‌های شبکه سه که در قیاس با گزارش‌های بی‌رتمی یا کم‌اطلاعات اغلب دوره‌های اخیر، جاذبه تماشای بازی‌ها بدون کم‌کردن صدای تلویزیون را افزون خواهد کرد (و البته در این میان، هر چه گزارشگران «عادل‌تر» باشند، آمار تماشای بازی‌ها از شبکه‌های داخلی بالاتر خواهد رفت!). بعد از این توصیه‌های کلی به دوستان گروه ورزش سیما، می‌ماند چند سفارش به خودمان و تب‌کرده‌های مشابه دیگر: برای جلوگیری از بی‌انگیزگی در پیگیری مراحل بعدی مسابقات، لطفاً تا همین حالا دندان‌طعم‌مان را دربارۀ تیم ملی خودمان بکشیم و فقط به چند بازی آبرومند دراییم که زندگی است.

حکایت خوشین‌ترین آدم روزگار ما

حسین یاغجی: در خبرها آمده بود که امروز پنجاه‌وهفتمین سال انتشار رمان «۱۹۸۴» است و احتمالاً در برخی نقاط دنیا طرفداران «جورج اورول» و «۱۹۸۴» (که تعدادشان هم کم نیست) جشن‌هایی ادبی برگزار خواهند کرد. کافی است در اینترنت جست‌وجو کنید و از وجود چنین جشن‌هایی مطمئن شوید. بهانه نوشتن این مطلب هم این خیر بوده و ممکن است برخی در مورد تئیر آن اما و آگرهایی بیاورند. چه بزم‌خیلی‌ها چیزی که در ۱۹۸۴ وجود ندارد همین خوشبینی و امیدواری است و در تاریخ ادبیات بوده‌اند کسانی که اورول را بابت نگاه ما یوسانه‌اش در ۱۹۸۴ نکوش کرده‌اند و فضای کابوس‌وار حاکم بر رمان را ناشی از ذهن مایخیولیایی خود اورول دانسته‌اند نه دنیای اطراف او. برخی هم برای اینکه خودشان را از شر کابوس‌های ۱۹۸۴ خلاص کنند به اتهام سفارشی بودن این رمان سپرده‌اند و آن را بزرگنمایی کرده‌اند و با این کار به قول خودشان «قال قضیه» را کنده‌اند. اما در اینجا حداقل برای اینکه مدعای تیشتر انتخابی‌مان را اثبات کنیم لازم است شما را به یکی از کتاب‌های اورول ارجاع دهیم که چند سالی قبل از ۱۹۸۴ نوشته شده است. کتابی با نام «به یاد کاتالونیا» که خاطرات

وقتی سیاست، خلوت تو را برهم می‌زند

مرگان ایلاتو: «مشتاقی و مهجوری» عنوان جدیدترین اثر مصطفی ملکیان است که در فروردین ۸۵ از سوی انتشارات نگاه معاصر به بازار کتاب ارائه شد تا مخاطبان با دیدگاه‌ها و نظرات این متفکر معاصر بیشتر آشنا شوند. کتاب ۴۳۱ صفحه‌ای او دربرگیرنده پانزده گفت‌وگوی مفصل و تخصصی ملکیان با نشریات مختلف است. یکی از مهمترین ویژگی‌های این کتاب، چاپ گفت‌وگوی اختصاصی ملکیان در باب کلام جدید است که برای نخستین‌بار به زبان فارسی منتشر شده است. این گفت‌وگوی تخصصی که در سال ۱۴۲۲ ه.ق در شماره هجدهم مجله عرب «قضايا اسلاميا» به معاصره» به چاپ رسیده بود اکنون به فارسی



نگاه روز



خواندنی‌ها